

گسل شکست: از شکاف در پایتخت تا سقوط در مرزها

تحلیل تطبیقی فروپاشی پدافندی ۱۳۶۷ و هشدار غافلگیری استراتژیک مرداد ۱۴۰۵

۱۳۶۷

۱۴۰۵

عبرتی برای امروز!
ناصر کاوه

یک سند راهبردی مبتنی بر قانون تخلف‌ناپذیر ژئوپلیتیک: پیوند ناگسستنی پشت جبهه و خط مقدم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لِنَا لِعَطِينَاكَ الْكَوْثَرِ (١) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَلِمَنْزَرِ (٢) إِنْ شَأْنُكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (٣)





این کتاب تقدیم می‌شود

به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) امامین انقلاب، امام خمینی (ره) و شهید سید علی خامنه‌ای، شهدای از صدر اسلام تا شهدای رمضان

تاریخ هشدار می‌دهد که تفرقه در تصمیم‌گیری‌های کلان تهران، همواره چراغ سبزی برای دشمن و مقدمه سقوط خطوط مرزی بوده است. عبور از بحران‌های سال ۱۴۰۵، نیازمند پایان دادن به اختلافات فرعی، احیای انسجام داخلی و بازگشت به یک کلان‌راهبرد واحد ملی است تا کشور بار دیگر ناگزیر به پرداخت هزینه‌های سنگین سرزمینی و امنیتی نگردد. عبور از این برهه تاریخی، نیازمند پایان دادن به جنگ‌های زرگری رسانه‌ای، احیای وفاق ملی خول ولی فقیه جامعه و بازگشت به یک کلان‌راهبرد مورد توافق همه ارکان نظام است. اگر امروز پنجره دیپلماسی یا توان نظامی به ابزاری برای رقابت‌های داخلی تبدیل شود، بهای سنگین این هرج و مرج و شکست را نه صاحبان قدرت در پایتخت، بلکه سربازان وطن در خطوط مرزی و مردم مبعوث شده زیر فشار تحریم‌ها، گرانی و تورم بالا پرداخت خواهند کرد. تاریخ به ما هشدار و نهیب می‌زند که ، " تفرقه در تهران، همواره به سقوط فاو در مرزها ختم شده است."

"عبرتی برای امروز!؟"

نویسنده : ناصر کاوه

هوش مصنوعی ، گرافیک و طراح : علی کربلانی

مشاور طرح ، رسانه و فضای مجازی : مهدی کاوه

ویراستار ، تایپ و حروف نگار : نرگس کاوه

روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمه عاقلی

قیمت: صلوات بر محمد و آل محمد(ص)

فهرست مطالب

پیشگفتار: تاریخ تکرار نمی‌شود/6

مقدمه: پیوند ناگسستنی پشت جبهه و خط مقدم/9

بخش اول: انشعاب روحانیت؛ فروریختن سقف واحد تصمیم‌گیری/12

بخش دوم: سردرگمی مردم، کاهش اعزام‌ها و تحلیل نیروی انسانی/15

بخش سوم: طوفان بهار ۶۷ و فروپاشی زنجیره‌ای خطوط دفاعی/18

بخش چهارم: آمار تکان‌دهنده اسرا؛ فاجعه تیرماه/24

نتیجه‌گیری: هزینه سنگین تفرقه در روزهای سرنوشت‌ساز/28

سخن آخر: سرنوشت جنگ‌ها در پشت جبهه رقم می‌خورد/30

کلام آخر: تاریخ هشدار می‌دهد/32

ضمیمه شماره یک: کتاب تصویری عبرتی برای امروز!/33

عبرتی برای امروز؟!

از شکاف در پایتخت تا شکست در جبهه‌ها
تحلیل دگرگونی موازنه جنگ در
بهار و تابستان ۱۳۶۷
نویسنده: ناصر کاوه
پیوند ناگسستنی پشت جبهه و خط مقدم

عبرتی برای امروز: از شکاف در پایتخت تا شکست در جبهه‌ها

تحلیل مکانیسم دگرگونی موازنه قدرت
از بهار ۱۳۶۷ تا مخاطرات مرداد ۱۴۰۵



پیشگفتار

تاریخ تکرار نمی‌شود، اما طنین قاب‌های خالی آن همواره در گوش زمان زنگ می‌زند. بررسی ریشه‌های سقوط فاو و فاجعه اسارت هزاران رزمنده در سال ۱۳۶۷، صرفاً یک بازخوانی تاریخی نیست؛ بلکه آینه‌ای تمام‌نما برای تحلیل موقعیت خطیر امروز ما در **مرداد ماه ۱۴۰۵** است. امروز که کشور در خط مقدم تقابلی همه‌جانبه با ائتلاف آمریکا، اسرائیل و ناتو قرار دارد، بار دیگر همان گسل‌های معرفتی و تشنت‌آرا در کانون تصمیم‌گیری پایتخت خودنمایی می‌کند.

در بهار ۱۳۶۷، انشعاب فکری و سیاسی میان روحانیت و مسئولین ارشد نظام، سقف واحد تصمیم‌گیری را فرو ریخت و پیام ناهماهنگی را به جامعه مخابره کرد. امروز نیز در مواجهه با پرونده‌های حیاتی نظیر بازدارندگی فعال، موازنه قدرت در تنگه هرمز، نحوه دریافت غرامت‌های تاریخی و استراتژی مذاکره با غرب، شاهد چندصدایی خطرناکی میان مسئولان و تریبون‌های رسمی هستیم. جناح‌های سیاسی به جای تکیه بر یک کلان‌راهبرد ملی، سیاست خارجی و دفاعی را به ابزاری برای تسویه حساب‌های داخلی تبدیل کرده‌اند.

پیامد مستقیم این تفرق در بالا، **«چنددسته شدن مردم»** در پایین است. هنگامی که نخبگان سیاسی پیام‌های متناقض صادر می‌کنند، سرمایه اجتماعی و امید در جامعه تحلیل می‌رود. افکار عمومی که باید پشتیبان تصمیمات حاکمیت در تنگناهای ژئوپلیتیک باشد، دچار سردرگمی و رخوت می‌شود. توده مردم با مشاهده این جدال‌های بی‌پایان در ساختار قدرت، از خود می‌پرسند:

«آیا در مرکز اراده‌ای واحد برای ایستادگی وجود دارد؟» این ابهام، بزرگترین سم مهلک برای امنیت ملی است و مانع از شکل‌گیری بسیج عمومی و انسجام ملی در برابر فشارهای خارجی می‌شود.

خطر بزرگتر در این میان، «**فراموش کردن دشمن مشترک**» است. تقلیل دادن تهدیدات آمریکا، ناتو، اعراب مرتجع و اسرائیل به بازی‌های جناحی، سبب می‌شود که کانون توجه از مرزها و تهدیدات واقعی خارجی، به سمت تسخیر سنگرهای داخلی منحرف شود. در سال ۶۷، غفلت از تحرکات زرهی و شیمیایی صدام به دلیل مشغولیت به اختلافات و رقابت‌ها، فاجعه فاو و شلمچه را رقم زد. امروز نیز اگر جدال بر سر سهم‌خواهی‌های داخلی، ما را از رصد دقیق نقشه‌های دشمن در آب‌های خلیج فارس و جبهه‌های دیپلماتیک غافل کند، خروجی آن چیزی جز شوک‌های ناگهانی نظامی و ژئوپلیتیکی نخواهد بود.

تفرقه و هرج و مرج داخلی، همواره چراغ سبزی برای دشمنان بوده است تا محاسبات خود را برای ضربه زدن نهایی تنظیم کنند. درس بزرگ مرداد ۱۳۶۷ برای مرداد ۱۴۰۵ این است: تفوق بر تهدیدات بزرگ، نه با تکیه محض بر تسلیحات، بلکه با بازسازی «**فرمول طلایی وحدت**» و انسجام در تصمیم‌گیری ممکن است. اگر امروز تشتت آرا جایگزین استراتژی واحد ملی شود، بازنده اصلی این نبرد نه یک جناح خاص، بلکه امنیت و تمامیت ارضی کشور خواهد بود.

از شکاف در پایتخت تا شکست در مرزها: عبرت ۱۳۶۷ برای ۱۴۰۵

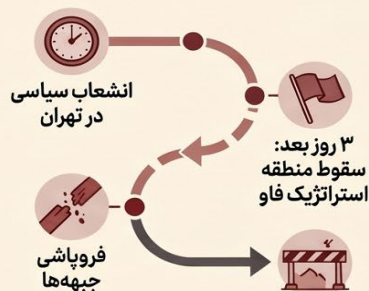
تبیین رابطه مستقیم میان انسجام سیاسی در پایتخت و پایداری دفاعی در مرزها و هشدار درباره تکرار فاجعه تاریخی.

عبرتی برای امروز؟



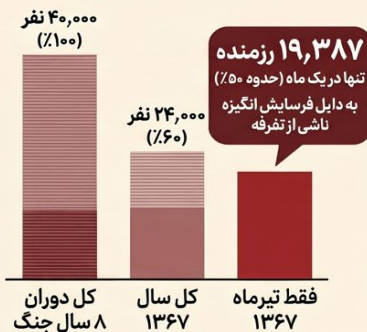
بخش اول: عبرت تاریخی ۱۳۶۷
(کالبدشکافی فاجعه)

اثر دومینوی ۳ روزه



از شکاف در پایتخت تا شکست در جبهه‌ها
تحلیل دگرگونی موازنه جنگ در
بهار و تابستان ۱۳۶۷
نویسنده: دکتر کاظم
پیریک تاکستنی پشت جبهه و خط مقدم

فاجعه آماری اسرا در تیر ۶۷



فروپاشی فرمول طلایی وحدت

جایگزینی «دشمن داخلی» به جای «دشمن مشترک» منجر به غفلت از آرایش نظامی دشمن شد.

بخش دوم: مخاطرات مرداد ۱۴۰۵
(هشدار استراتژیک)



چندصدایی در پرونده‌های حیاتی
تشتت آرا در پرونده‌های کلان ملی، پیام ضعف و چراغ سبز به دشمن صادر می‌کند.



غافلگیری استراتژیک توسط ناتو

تمرکز بر تسویه حساب‌های داخلی، چشمان ناظر بر تحرکات میدانی دشمن در مرزها را نابینا می‌کند.

ضرورت تدوین کلان‌راهبرد واحد

خروج پرونده‌های ملی از دایره رقابت‌های جناحی، تنها راه صیانت از تمامیت ارضی است.

مقدمه: پیوند ناگسستنی پشت جبهه و خط مقدم

در تفکر نظامی، سرنوشت جنگ‌ها هرگز صرفاً روی تپه‌ها، خاکریزها و دشت‌های نبرد تعیین نمی‌شود؛ بلکه ریشه در انسجام سیاسی، ثبات فکری و میزان همبستگی ملی در پشت جبهه‌ها دارد. جنگ هشت‌ساله ایران و عراق نیز از این قاعده مستثنی نبود. قدرت دفاعی ایران از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۶ بر یک فرمول طلایی تکیه داشت:

«وحدت کلمه، ایمان مذهبی بلاشرط و گسیل بی‌وقفه نیروهای مردمی (بسیج) به جبهه‌ها».

این فرمول توانسته بود ضعف‌های مادی، تحریم‌های تسلیحاتی و انزوای بین‌المللی ایران را در برابر ارتش مدرن و تا دندان مسلح بعثی جبران کند.

اما با ورود به سال ۱۳۶۷، این فرمول کارآمدی خود را از دست داد. پیوند مستقیمی میان انشعاب سیاسی در تهران در اواخر سال ۱۳۶۶ و فروردین ۱۳۶۷ (جدایی مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز) با ریزش ناگهانی مشارکت مردمی، سردرگمی افکار عمومی و در نهایت فروپاشی خطوط دفاعی ایران در فاو، شلمچه و جزایر مجنون وجود دارد؛ فروپاشی استراتژیکی که به اسارت هزاران رزمنده ایرانی در تیرماه ۱۳۶۷ و پذیرش ناگزیر قطعنامه ۵۹۸ انجامید.

در ژئوپلیتیک و علوم نظامی، بقای یک ملت در مواجهه با تهدیدات خارجی همواره منوط به پایداری جبهه داخلی است. هر زمان که در پایتخت یک کشور، شکاف فکری و تشتت ساختاری رخ داده، نخستین ترکش‌های آن خطوط مقدم دفاعی را متلاشی کرده است.

ایران در بهار و تابستان ۱۳۶۷ این حقیقت تلخ را با رگ و پوست خود لمس کرد؛ زمانی که فرمول طلایی «وحدت کلمه» و گسیل نیروهای مردمی به جبهه‌ها، تحت تأثیر دوقطبی‌سازی‌های شدید تهران کارآمدی خود را از دست داد و به فاجعه سقوط فاو، شلمچه و اسارت بی‌سابقه هزاران رزمنده در تیرماه همان سال منجر شد.

امروز در مرداد ماه ۱۴۰۵، ایران در یکی از حساس‌ترین پیچ‌های تاریخی خود ایستاده است. مواجهه همه‌جانبه با ائتلاف اطلاعاتی، نظامی و دیپلماتیک آمریکا، اسرائیل و ناتو، کشور را در موقعیتی مشابه با ماه‌های پایانی جنگ قرار داده است.

اگر در سال ۱۳۶۷ دشمن صدام بود، امروز دشمن شبکه‌ای از قدرت‌های جهانی است که هرگونه روزنه‌ی اختلاف و چندصدایی در تهران را رصد می‌کنند تا ضربه نهایی را وارد آورند.

انطباق تاریخی آن دوران با شرایط امروز، زنگ خطری جدی را به صدا درمی‌آورد.



بخش اول: انشعاب روحانیت؛ فروریختن سقف واحد تصمیم‌گیری

نظام سیاسی ایران پس از حذف جریان‌های لیبرال و چپ غیرمذهبی، اساساً بر محوریت نهاد روحانیت مبارز شکل گرفت. مردم و رزمندگان پیشانی جنگ را در چهره روحانیونی می‌دیدند که خود را مبلغ دین و نماینده تام‌الاختیار ولایت فقیه معرفی می‌کردند. تا پیش از سال ۱۳۶۶، اختلافات داخلی میان روحانیون درباره مسائل اقتصادی (زمین، بازرگانی دولتی، حدود مالکیت) و روش‌های اداره کشور در پشت پرده نگاه داشته می‌شد تا تصویر «امت واحده» مخدوش نشود. اما در ۲۵ فروردین ۱۳۶۷، درست در آستانه شدیدترین تک‌های نظامی ارتش عراق، مجمع روحانیون مبارز رسماً از جامعه روحانیت مبارز جدا شد. اگرچه ظاهر این اقدام با موافقت امام خمینی و تحت عنوان «آزادی در ابراز عقیده فقهی و سیاسی» توجیه شد، اما پیامد روانی آن در بدنه جامعه بسیار سهمگین بود. این جدایی، پیام واضحی به جامعه فرستاد: **«دیگر در بالا یک‌صدایی وجود ندارد.»** جریان‌های سیاسی و رسانه‌های حامی هر دو جناح (به ویژه مطبوعاتی نظیر کیهان و اطلاعات) به سرعت فضای کشور را دوقطبی کردند. اتهاماتی نظیر طرفداری از «اسلام آمریکایی» و «سرمایه‌داری بازار» از یک سو، و متهم کردن طرف مقابل به «چپ‌گرایی افراطی و تفسیر سوسیالیستی از دین» از سوی دیگر، افکار عمومی را به شدت درگیر خود کرد. رزمنده‌ای که پیش از این برای دفاع از کیان «اسلام ناب» راهی جبهه می‌شد، اکنون خود را در میان جنگ زرگری مدعیان اداره کشور می‌دید. تضعیف سرمایه اجتماعی حاکمیت درست در لحظه‌ای رخ داد که بیشترین نیاز به بسیج عمومی وجود داشت.

از «یت و یون» سال ۶۷ تا «چندصدایی حاکمیتی» سال ۱۴۰۵

تجربیات آن سالها نشان می‌دهد که چگونه اختلافات فقهی و اقتصادی میان اعضای جامعه روحانیت مبارز در آستانه انتخابات مجلس سوم در فروردین ۱۳۶۷ سر باز کرد و به انشعاب تشکیلاتی انجامید؛ انشعابی که نیروهای وفادار به انقلاب را به دو دسته چپ و راست تقسیم کرد و تریبون‌های نماز جمعه و رسانه‌های رسمی را به میدان کارزار داخلی تبدیل نمود. امروز در مرداد ۱۴۰۵، اگرچه آرایش سیاسی تغییر کرده، اما ذات رفتار حاکمیتی همان است. در شرایطی که ایران با چالش‌های استراتژیک نظیر «حق حاکمیت و موازنه قدرت در تنگه هرمز»، «نحوه مواجهه با تهدیدات ناتو در مرزها»، «مطالبه غرامت‌های تاریخی از قدرت‌های اشغالگر» و «مکانیزم مذاکره و تفاهم با غرب» روبه‌روست، در سطوح عالی تصمیم‌گیری صدای واحدی شنیده نمی‌شود. از یک سو جریانی بر طبل تقابل مطلق، انسداد تنگه هرمز و قطع هرگونه مسیر دیپلماتیک می‌کوبد و از سوی دیگر، جریانی در درون ساختار اصرار بر تعامل سریع و پذیرش بدون ضمانت برخی شرایط غرب دارد. این دوقطبی‌سازی فکری در رأس تصمیم‌گیری، دقیقاً همان فروریختن «سقف واحد تصمیم‌گیری» است که در فروردین ۱۳۶۷ با جدایی مجمع روحانیون رخ داد. وقتی تصمیم‌گیران ارشد یک کشور در برابر چالش‌های بیرونی هم‌راستا نباشند، دشمن پیام ضعف را به سرعت دریافت می‌کند.

شکاف در پایتخت، سقوط در مرز: عبرت‌های ۱۳۶۷ برای ۱۴۰۵

از شکاف در پایتخت تا شکست در جبهه‌ها
تحلیل دگرگونی موازنه جنگ در
بهار و تابستان ۱۳۶۷
فرهنگستان راهبردی
پیرنگ تاکستنی پشت جبهه و خط مقدم

عبرتی برای امروز؟

بخش اول: کالبدشکافی فاجعه ۱۳۶۷ (عبرت تاریخ)



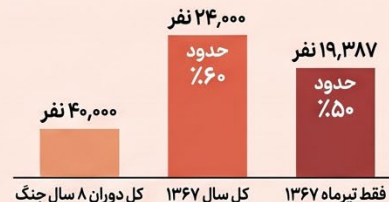
انشعاب ۲۵ فروردین؛ آغاز سقوط

جدایی تشکیلاتی در پایتخت، سقف واحد تصمیم‌گیری را فرو ریخت و پیام ضعف به دشمن صادر کرد.



سقوط فاو تنها در ۳۶ ساعت

به دلیل تفرقه و کاهش اعزام نیرو، نسبت مدافعان به دشمن ۱ به ۷ شد.



تراژدی اسرا در تیرماه ۶۷

حدود ۲۰ هزار رزمنده تنها در یک ماه به دلیل فرسایش انگیزه ناشی از تفرقه اسیر شدند.

بخش دوم: مخاطرات و راهبردهای ۱۴۰۵ (هشدار راهبردی)



چندصدایی در پرونده‌های حیاتی

تشتت آرا در موضوعاتی مثل تنگه هرمز، چراغ سبزی برای عملیات آفندی ناتو و اسرائیل است.



پایان به جنگ‌های برچسب‌زنی

توقف اتهاماتی نظیر «خائن» یا «جنگ‌طلب» برای جلوگیری از رخوت مدنی و سردرگمی اجتماعی.



احیای کلان راهبرد واحد ملی

خروج پرونده‌های امنیت ملی از دایره رقابت‌های جناحی و بازگشت به وفاق در کانون تصمیم‌گیری.

تشتت آرا در موضوعاتی مثل تنگه هرمز، چراغ سبزی برای عملیات آفندی ناتو و اسرائیل است.

توقف اتهاماتی نظیر «خائن» یا «جنگ‌طلب» برای جلوگیری از رخوت مدنی و سردرگمی اجتماعی.

خروج پرونده‌های امنیت ملی از دایره رقابت‌های جناحی و بازگشت به وفاق در کانون تصمیم‌گیری.

بخش دوم: سردرگمی مردم، کاهش اعزام‌ها و تحلیل نیروی انسانی

نقطه قوت ایران در تمام طول جنگ، برتری عددی و انگیزه شهادت‌طلبی نیروهای پیاده بود. جنگ ایران و عراق در واقع تقابل «انسان در برابر تانک» بود؛ رزمندگانی که با آرپی‌جی و جان‌فشانی خطوط مستحکم زرهی عراق را می‌شکستند. اما بقای این سیستم پدافندی و آفندی به «تغذیه مستمر جبهه با نیروی تازه نفس» بستگی داشت.

با بروز انشقاق در جامعه روحانیت و موازی با آن، خستگی طبیعی جامعه از هشت سال سختی، فشارهای معیشتی و بمباران شهرها، نوعی دلسردی و ابهام در میان توده‌ها شکل گرفت. مردم می‌دیدند در شرایطی که فرزندان‌شان زیر آتش کاتیوشا و گلوله‌های شیمیایی جان می‌دهند، در پایتخت جدال بر سر لیست‌های انتخاباتی مجلس سوم و سهم‌خواهی از قدرت بالا گرفته است. شایعات مربوط به احتمال صلح و ناامیدی برخی فرماندهان از دستیابی به پیروزی نهایی نیز به این فضای رخوت دامن زد.

در نتیجه، آمارهای اعزام نیرو به جبهه‌ها در بهار ۱۳۶۷ با کاهش شدیدی مواجه شد. مساجد و پایگاه‌های بسیج که روزگاری کانون اعزام کاروان‌های راهیان کربلا بودند، خلوت شدند. این کاهش نیرو به این معنا بود که لشکرهای عملیاتی ایران در خطوط مقدم پدافندی (مانند فاو و شلمچه) با حداقل پرسنل اداره می‌شدند.

برای نمونه، در شبه‌جزیره فاو، در حالی که ارتش عراق با لشکرهای زبده گارد ریاست جمهوری خود آماده حمله می‌شد، ایران به دلیل کمبود نیرو، تنها حدود ۱۵ هزار سرباز پدافندکننده در منطقه داشت؛ نیرویی بسیار ناچیز برای نگهداری منطقه‌ای با آن درجه از اهمیت استراتژیک. در سال ۱۳۶۷، مطبوعات و جناح‌های نوظهور با برچسب‌زنی‌هایی چون «اسلام آمریکایی» و «سوسیالیسم اسلامی» افکار عمومی را به مسلخ کشاندند. رزمنده‌ای که در سرمای غرب و گرمای جنوب می‌جنگید، ناگهان خود را در میانه نزاع لیست‌های انتخاباتی تهران تنها یافت. این تشتت، انگیزه اعزام نیرو به جبهه‌ها را به شدت کاهش داد و خطوط دفاعی فاو را خالی از سرباز کرد.

امروز نیز در مرداد ۱۴۰۵، فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی کشور به شدت دوقطبی شده‌اند. رسانه‌ها و تریبون‌های وابسته به جریان‌های مختلف، به جای تبیین یک راهبرد ملی و واحد در برابر تهدیدات ناتو و اسرائیل، به اتهام‌زنی متقابل مشغولند. یک طرف، طرفداران دیپلماسی را «سازش‌کار و خائن» می‌نامد و طرف دیگر، مدافعان بازدارندگی نظامی را «جنگ‌طلب و ماجراجو» قلمداد می‌کند.

این هرچو مرج کلامی، جامعه را دچار «چنددستگی» و «رخوت مدنی» کرده است. مردم با مشاهده این تضادها در تصمیم‌گیری‌های کلان، دچار سردرگمی عمیق شده‌اند. وقتی شهروندان احساس کنند که در لایه‌های بالای قدرت، وفاق ملی بر سر مفاهیم پایه‌ای چون «امنیت ملی» و «منافع عمومی» وجود ندارد، انگیزه ایستادگی، صبوری در برابر مشکلات معیشتی و حمایت از سیاست‌های حاکمیت فرو می‌پاشد.

عبرتی برای امروز؟!

از شکاف در پایتخت تا شکست در جبهه‌ها
تحلیل دگرگونی موازنه جنگ در
بهار و تابستان ۱۳۶۷
نویسنده: ناصر کاوه
پیوند ناگسستنی پشت جبهه و خط مقدم

یک قانون تخلف‌ناپذیر ژئوپلیتیک



تاریخ هشدار می‌دهد: تفرقه و چندصدایی در تهران، همواره چراغ
سبزی برای دشمن و مقدمه بی‌چون و چرای سقوط خطوط مرزی بوده
است. امروز، جبهه اول نبرد در پایتخت است.

بخش سوم: طوفان بهار ۶۷ و فروپاشی زنجیره‌ای خطوط دفاعی

بزرگترین خطای راهبردی جریان‌های سیاسی در سال ۱۳۶۷، تقلیل دادن تهدید ماشین جنگی صدام به یک مسئله ثانویه در برابر رقابت‌های انتخاباتی مجلس بود. فرماندهان و سیاستمداران چنان درگیر سهم‌خواهی تشکیلاتی شدند که از بازسازی زرهی، لجستیکی و اطلاعاتی ارتش عراق غافل ماندند. نتیجه این غفلت، حمله ناگهانی عراق با نسبت ۷ به ۱ در فاو و فروپاشی زنجیره‌ای خطوط پدافندی بود.

امروز در ۱۴۰۵ نیز این مخاطره به شدت احساس می‌شود. رقابت جناح‌های داخلی بر سر کسب قدرت و مرجعیت سیاسی، سبب شده که دشمن اصلی (ائتلاف آمریکا، اسرائیل و ناتو) در حاشیه قرار گیرد. برخی جریان‌ها تصور می‌کنند که بحران‌های امنیتی و ژئوپلیتیک اطراف ایران، صرفاً ابزارهایی برای تضعیف رقیب داخلی هستند.

این «فراموشی دشمن»، چشم‌های ناظر بر مرزها را نابینا می‌کند. ناتو با گسترش نفوذ خود در کشورهای همسایه و اسرائیل با فعال‌سازی هسته‌های ترور و خرابکاری، دقیقاً از همین خلأ تمرکز ذهنی در پایتخت استفاده می‌کنند. تمرکز بر خنثی‌سازی یکدیگر در تهران، فرصت طلایی رصد تحرکات دشمن در خلیج فارس، دریای عمان و مرزهای شرقی و غربی را از ما سلب خواهد کرد. در طرف مقابل مرز، صدام حسین با کمک اطلاعاتی ماهواره‌های آمریکایی، حمایت‌های مالی بی‌دریغ کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و تسلیحات پیشرفته اروپایی

و شوروی، ارتش خود را از ۱۲ لشکر آغاز جنگ به بیش از ۵۶ لشکر مجهز در پایان جنگ رسانده بود. عراق با درک درست از تضعیف انگیزه داخلی در ایران و کاهش نیروهای جبهه خودی، از لاک دفاعی سال‌های ۶۱ تا ۶۶ خارج شد و استراتژی آفند سراسری را کلید زد.

۱. سقوط فاو (۲۸ فروردین ۱۳۶۷): اولین دومینوی شکست

تنها سه روز پس از اعلام رسمی انشعاب مجمع روحانیون مبارز در تهران، ارتش عراق عملیات «رمضان المبارک» را برای بازپس‌گیری شبه‌جزیره فاو آغاز کرد. عراقی‌ها که پیش از این در زمینی مشابه در عربستان تمرین کرده بودند، حمله‌ای غافلگیرانه و فوق‌العاده سهمگین را تدارک دیدند.

- **برتری عددی مطلق:** عراق بیش از ۱۰۰ هزار نیروی زبده گارد ریاست جمهوری (شامل لشکرهای مدینه، بغداد و حمورابی) را علیه حداکثر ۱۵ هزار نیروی ایرانی به کار گرفت. یعنی نسبت برتری عددی عراقی‌ها تقریباً ۷ به ۱ بود.
- **بمباران شیمیایی بی‌سابقه:** ارتش بعث از عامل شیمیایی به میزان سه برابر وسعت منطقه فاو استفاده کرد. این حجم از گازهای تاول‌زا و اعصاب عملاً عقبه خط، فرماندهی، توپخانه و نیروهای احتیاط ایران را پیش از شروع درگیری فیزیکی از مدار خارج کرد.

۱. قطع راه‌های مواصلاتی: نیروی هوایی عراق با انهدام پل‌های روی اروندرود (از جمله پل بعثت)، ارتباط نیروهای مستقر در فاو را با خاک اصلی ایران قطع کرد.

سقوط فاو ظرف کمتر از ۳۶ ساعت رخ داد. سرعت این شکست چنان بالا بود که بیشتر تجهیزات و ادوات سنگین ایران به طور سالم به دست ارتش عراق افتاد و نیروهای باقی‌مانده که راهی برای عقب‌نشینی نداشتند، شهید یا اسیر شدند. این شکست ضربه روحی هولناکی به بدنه رزمندگان وارد کرد و هیمنه فتح بزرگ والفجر ۸ را فرو ریخت.

۲. سقوط شلمچه (۴ خرداد ۱۳۶۷): از دست رفتن دستاوردهای کربلای ۵

شلمچه گران‌قیمت‌ترین زمین جنگ بود. ایران برای فتح آن در عملیات کربلای ۵ در سال ۱۳۶۵، هزاران تن از بهترین نیروهای خود را از دست داده بود. پس از سقوط فاو، گمانه‌زنی‌ها درباره حمله عراق به شلمچه قوت گرفت و خطوط پدافندی تقویت شد. اما کمبود شدید نیرو و موانع از چیدمان یک دفاع مستحکم شد.

در چهارم خرداد ۱۳۶۷، عراق با نیرویی معادل ۱۳ لشکر (حدود ۱۳۰ هزار نفر) به خط شلمچه حمله کرد. نسبت نیروهای خودی به دشمن در این خط ۱ به ۴ بود. در هوای داغ خردادماه، آبگرفتگی‌های حفاظتی شرق بصره که مانع طبیعی تانک‌های دشمن بودند، خشک شده بودند. یگان‌های زرهی عراق با پشتیبانی آتش سنگین توپخانه، خط اول ایران را در هم کوبیدند.

به دلیل نبود خطوط دفاعی چندلایه و عدم آرایش نیروهای احتیاط، شلمچه نیز ظرف چند ساعت سقوط کرد و تمام دستاوردهای عملیات کربلای ۵ از دست رفت.

۳. عملیات بیت‌المقدس ۷ (۲۳ خرداد ۱۳۶۷): آخرین تقلا در گرمای سوزان

برای متوقف کردن ماشین جنگی عراق و به دست آوردن دست بالا قبل از تحمیل صلح، فرماندهان ایرانی تصمیم گرفتند عملیات آفندی بیت‌المقدس ۷ را در منطقه شلمچه طراحی و اجرا کنند. هدف این بود که پیش از تثبیت مهندسی زرهی عراق، آن‌ها را به عقب برانند.

رزمندگان در شب اول عملیات شجاعت به خرج دادند و خطوط اول عراق را شکسته و تا غرب کانال پرورش ماهی پیشروی کردند. اما با طلوع آفتاب خردادماه، فاجعه آغاز شد:

- **گرمای ۵۰ درجه جنوب:** دمای هوا در آن روزها رکوردهای بی‌سابقه‌ای ثبت کرده بود. رزمندگان پیاده بدون پناهگاه و سایه‌بان ناچار به نبرد بودند.
- **بحران تدارکات:** به دلیل عمق زیاد منطقه عملیاتی و آتش شدید دشمن، امکان رساندن آب کافی و مهمات به خطوط جلو فراهم نشد. رزمندگان تشنه و خسته با پاتک‌های سنگین زرهی مواجه شدند.
- **پاتک زرهی سنگین:** عراقی‌ها لشکرهای زرهی تقویت‌شده خود را وارد میدان کردند. در ظهر ۲۵ خرداد، در حالی که مقاومت دیگر ناممکن بود، دستور عقب‌نشینی صادر شد. بچه‌های پیاده ناچار شدند مسافت‌های طولانی را زیر آفتاب داغ و آتش مستقیم تانک‌ها به عقب بدون. بیت‌المقدس ۷ با عدم‌الفتح روبرو شد و آخرین فرصت آفندی ایران نیز از دست رفت.

۴. سقوط جزایر مجنون (۴ تیر ۱۳۶۷): پایان حماسه خیبر

کمتر از دو هفته بعد، ارتش عراق با حمله هلی‌برن و استفاده وسیع از تسلیحات شیمیایی، منطقه جزایر مجنون (دست‌آورد عملیات خیبر در سال ۱۳۶۲) را هدف قرار داد. این تک‌چنان سریع رخ داد که علی‌هاشمی، فرمانده قرارگاه نصرت، در جریان هلی‌برن عراقی‌ها بر روی قرارگاهش مفقودالآثر شد و سال‌ها بعد پیکرش پیدا شد.

تفرقه در پایتخت، شکست در مرزها: از فاجعه ۱۳۶۷ تا مخاطرات ۱۴۰۵

تبیین رابطه مستقیم بین انسجام سیاسی در مرکز کشور و ثبات امنیتی در مرزها با استفاده از عبرت‌های تاریخی.



شکاف در پایتخت؛ سقوط در جبهه

انشعاب سیاسی در تهران باعث سردرگمی افکار عمومی و کاهش شدید اعزام نیرو شد.



سقوط ۳۶ ساعته فاو

منطقه استراتژیک فاو به دلیل کمبود نیرو در برابر حمله ۷ بر ۱ دشمن سقوط کرد.

درس‌های تلخ بهار و تابستان ۱۳۶۷

هشدار استراتژیک برای مرداد ۱۴۰۵

عبرتی برای امروز؟



شکاف در پایتخت



چندصدایی در تصمیمات کلان ملی

از شکاف در پایتخت تا شکست در جبهه
تحلیل دگرگونی موازنه جنگ در
بهار و تابستان ۱۳۶۷
نویسنده: ناصر کاویانی
پیرنگ تاکستنی پشت جبهه و خط مقدم

چندصدایی در
تصمیمات کلان ملی



تشتت آرا در پرونده‌هایی مثل تنگه هرمز و مذاکرات، پیام ضعف به دشمن می‌فرستد.



دوقطبی‌سازی و فرسایش سرمایه اجتماعی

اتهام‌زنی‌های داخلی به «خیانت» یا «جنگ‌طلبی»، انگیزه ایستادگی ملی را نابود می‌کند.



غفلت از دشمن مشترک (ناتو و اسرائیل)

تسویه حساب‌های جناحی، ذهن‌ها را از رصد تحرکات میدانی و اطلاعاتی دشمن غافل می‌سازد.

مقایسه تطبیقی وضعیت بحرانی جبهه داخلی

شاخص مقایسه	وضعیت در سال ۱۳۶۷	هشدار برای سال ۱۴۰۵
لسب روت	انشعاب در تشکلهای روحانیت پایتخت	چندصدایی حاکمیتی در پرونده‌های استراتژیک
اجتماعات اجتماعی	کاهش شدید اعزام نیروهای مردمی	رخوت مدنی و سردرگمی افکار عمومی
تهبیر الخیارجی	ارتش بعث با پشتیبانی جهانی	اتلاف همه‌جانبه ناتو، آمریکا و اسرائیل

بخش چهارم: آمار تکان‌دهنده اسرا؛ فاجعه تیرماه ۱۳۶۷

تکان‌دهنده‌ترین بخش تاریخ سال ۱۳۶۷، آمار اسراست؛ جایی که نزدیک به نیمی از کل اسرای هشت سال جنگ (حدود ۲۰ هزار نفر) تنها در تیرماه ۱۳۶۷ و در پی عقب‌نشینی‌های شتاب‌زده و فروپاشی روحی رزمندگان به اسارت درآمدند.

این فاجعه محصول عدم لجستیک مناسب، نرسیدن آب و مهمات به دلیل تشتت فرماندهی و در نهایت فقدان «انگیزه مقاومت» در نیروهای پیاده بود.

انطباق این واقعیت با امروز بسیار هولناک است. اگر سیستم پدافند غیرعامل، توان موشکی، بازدارندگی هسته‌ای و انسجام نیروهای مسلح ما با تشتت آرا در تهران پشتیبانی نشود، احتمال وقوع یک «غافلگیری استراتژیک» بسیار بالاست.

دشمنان امروز ما (ائتلاف ناتو و اسرائیل) از فناوری‌های پیشرفته‌تر، ابزارهای جنگ الکترونیک قوی‌تر و ظرفیت رسانه‌ای بسیار گسترده‌تری نسبت به صدام برخوردارند. اگر تفرقه سیاسی در تهران منجر به سردرگمی فرماندهان میدانی و فرسایش انگیزه مدافعان امنیت شود، ضربه اول دشمن می‌تواند خریج وسیعی از عقب‌نشینی‌های ناخواسته، آسیب به زیرساخت‌های حیاتی و تسلیم ژئوپلیتیکی را به همراه داشته باشد.

فاجعه «تیرماه ۶۷»؛ هشداری برای فروپاشی پدافندی امروز

شاید گویاترین و ملموس‌ترین شاخص برای درک عمق فروپاشی انسجام نظامی و دفاعی کشور در سال ۱۳۶۷، آمار اسیران جنگی باشد.

طبق آمارهای رسمی بنیاد شهید و ستاد رسیدگی به امور آزادگان:

- تعداد کل آزادگان (اسرای) ایرانی در طول کل هشت سال جنگ تحمیلی حدود ۴۰ هزار نفر بود.
- از این تعداد، حدود ۲۴ هزار نفر (نزدیک به ۶۰ درصد کل اسرا) تنها در سال ۱۳۶۷ اسیر شدند.
- شگفت‌آورتر اینکه از میان اسرای سال ۶۷، تعداد ۱۹ هزار و ۳۸۷ نفر متعلق به تیرماه ۱۳۶۷ هستند!

این آمار به چه معناست؟

این یعنی نزدیک به نیمی از کل اسرای هشت سال جنگ ایران و عراق، در بازه زمانی یک‌ماهه تیر ۱۳۶۷ به اسارت درآمده‌اند.

این یک فاجعه نظامی تمام‌عیار بود که دلایل آن را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

1. **عقب‌نشینی‌های بدون برنامه‌ریزی و شتاب‌زده:** خط دفاعی یگان‌ها به قدری سریع فرو می‌پاشید که عقبه‌ها فرصت جابه‌جایی نداشتند و نیروها در محاصره تانک‌های عراقی گرفتار می‌شدند.
2. **غافلگیری در عین خوش و موسیان (۲۱ تیر ۱۳۶۷):** ارتش عراق در این منطقه به نیروهای ارتش ایران تک زد. به دلیل تخلیه اطلاعاتی و روانی نیروها، مرکز فرماندهی قرارگاه نیروی زمینی ارتش ایران تصرف شد و هزاران سرباز و افسر ایرانی در عرض دو روز اسیر شدند. ارتش عراق که در طول هشت سال جنگ از نظر تعداد اسیر بسیار عقب‌تر از ایران بود، با این تک‌ها توازن اسرا را به نفع خود تغییر داد.
3. **فقدان انگیزه ایستادگی تا مرز شهادت:** رزمندگانی که در سال‌های قبل تا آخرین قطره خون در کانال‌ها می‌جنگیدند، در خرداد و تیر ۱۳۶۷ به دلیل ابهامات سیاسی، احساس تنهایی، نرسیدن تدارکات و آب، و تشنگی آرا در مرکز، ترجیح می‌دادند اسیر شوند تا اینکه بیهوده در بیابان‌های سوزان شهید شوند. گزارش‌های متعددی از فرماندهان وقت وجود دارد که تأکید می‌کنند نیروها با شروع حملات شیمیایی و زرهی عراق، با سلاح‌های شان عقب‌نشینی می‌کردند.



وحدت کلمه یا نوشیدن جام زهری دیگر؟

تاریخ هشدار می‌دهد: **تفرقه** در تهران، همواره به **سقوط فاو** در مرزها ختم شده است.

اگر امروز پنجره دیپلماسی یا توان نظامی به ابزاری برای رقابت‌های داخلی تبدیل شود، بهای سنگین این هرج و مرج را نه سیاستمداران در پایتخت، بلکه سربازان وطن در خطوط مرزی با خون و اسارت خود پرداخت خواهند کرد. انسجام ملی، تنها سد در برابر فروپاشی است.

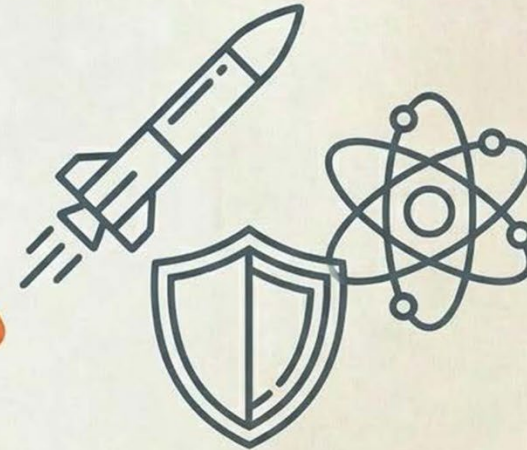
عبرتی برای امروز؟! ناصرکاوه

نتیجه‌گیری: هزینه سنگین تفرقه در روزهای سرنوشت‌ساز

جنگ هشت‌ساله ایران با پذیرش رسمی قطعنامه ۵۹۸ در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ از سوی ایران و نوشیدن «جام زهر» توسط امام خمینی به خط پایان خود نزدیک شد؛ هرچند تجاوزات بعدی عراق در جنوب و هجوم منافقین در غرب (عملیات مرصاد) با ایستادگی مردم دفع شد و در نهایت ایران موفق شد مرزهای بین‌المللی خود و اعتبار قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را حفظ کند و پیروزی استراتژیک ملی را به دست آورد. اما درس بزرگ بهار و تابستان ۱۳۶۷ این بود که «امنیت ملی و دفاع نظامی هرگز نمی‌تواند مستقل از وفاق سیاسی داخلی باشد.» انشعاب جامعه روحانیت مبارز و تشکیل مجمع روحانیون در فروردین ۶۷، درست در زمانی که نظام به حداکثر وحدت نیاز داشت، گسل‌های شدیدی را در بدنه حامیان مردمی انقلاب فعال کرد. توده مردم و رزمندگانی که با یک اشاره امام راهی جبهه می‌شدند، با دیدن دوقطبی‌های تند جناحی در تهران دچار سردرگمی، دلسردی و در نهایت کاهش اعزام شدند. خالی شدن جبهه‌ها از نیروی انسانی، موازنه قوا را کاملاً به نفع ارتش تقویت‌شده صدام تغییر داد و راه را برای تک‌های پیاپی عراق در فاو، شلمچه، مهران و مجنون هموار ساخت؛ تا جایی که نیمی از اسیران جنگی ایران محصول همان چند ماه پایانی و رخوت حاکم بر فضای سیاسی و نظامی کشور بود. این تجربه تاریخی نشان داد که وقتی سران یک نظام سیاسی انسجام درونی خود را فدای رقابت‌های جناحی و خطکشی‌های تشکیلاتی می‌کنند، هزینه سنگین آن را رزمندگان تشنه در خطوط مقدم با خون خود و تن دادن به سال‌ها اسارت در اردوگاه‌های تکریت و رمادی پرداخت خواهند کرد.

توهم «آرامش قبل از طوفان» و خطر غافلگیری استراتژیک

عبرتی برای امروز!؟



اگر سیستم پدافند غیرعامل، توان موشکی و بازدارندگی هسته‌ای با انسجام سیاسی در تهران پشتیبانی نشود، احتمال وقوع یک «غافلگیری استراتژیک» بسیار ریسی است. دشمنان امروز فناوری پیشرفته‌تر و ظرفیت رسانه‌ای گسترده، گسترده‌تری نسبت به صدام دارند. تفرقه سیاسی، ضربه اول دشمن را به یک تسلیم ژئوپلیتیکی تبدیل خواهد کرد.

سخن آخر

سرنوشت جنگ‌ها در پشت جبهه رقم می‌خورد. قدرت دفاعی ایران در جنگ تحمیلی تا سال ۱۳۶۶ بر پایه فرمول طلایی «وحدت کلمه و حضور بی‌وقفه نیروهای مردمی» استوار بود. با این حال، در آستانه فروردین ۱۳۶۷، وقوع انشعاب تشکیلاتی در پایتخت (جدایی مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز بر سر مسائل فقهی، اقتصادی و سیاسی) این فرمول را با چالش جدی مواجه کرد.

این انشقاق در کانون تصمیم‌گیری، پایتخت را دوقطبی کرد و پیامی متناقض به جامعه فرستاد. در نتیجه، سردرگمی افکار عمومی و خستگی ناشی از جنگ، به ریزش ناگهانی مشارکت مردمی و کاهش شدید اعزام نیرو به جبهه‌ها انجامید؛ تا جایی که منطقه استراتژیک فاو تنها با ۱۵ هزار نیرو در برابر حمله چندصد هزار نفری دشمن رها شد. ارتش ارتقایافته بعث عراق با بهره‌گیری از ضعف لجستیکی، اطلاعاتی و عددی ایران، در بهار و تابستان ۱۳۶۷ سلسله عملیات‌های آفندی موفقی را در فاو، شلمچه، بیت‌المقدس ۷ و جزایر مجنون اجرا کرد.

بارزترین شاخص این فروپاشی زنجیره‌ای، آمار تکان‌دهنده اسرا بود؛ از مجموع ۴۰ هزار اسیر کل جنگ، حدود ۲۴ هزار نفر در سال ۶۷ و نزدیک به ۲۰ هزار نفر تنها در تیرماه ۱۳۶۷ (بازه زمانی یک‌ماهه قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸) به اسارت درآمدند که نشان‌دهنده عقب‌نشینی‌های شتاب‌زده، بحران تدارکات و فرسایش انگیزه پایداری به دلیل تفرقه سیاسی در مرکز بود.

امروز در مرداد ماه ۱۴۰۵، ایران در موقعیتی مشابه با ماه‌های پایانی جنگ، در خط مقدم تقابلی همه‌جانبه با ائتلاف آمریکا، اسرائیل و ناتو ایستاده است. بازخوانی تاریخ ۱۳۶۷ هشدار جدی برای شرایط کنونی است:

1. **چندصدایی حاکمیتی:** مواجهه با پرونده‌های کلیدی مانند موازنه در تنگه هرمز، نحوه دریافت غرامت‌های تاریخی و استراتژی مذاکره با غرب، دستخوش تشتت‌آرا در سطوح عالی تصمیم‌گیری شده است.
2. **چنددسته شدن مردم:** نزاع رسانه‌ای جریان‌های داخلی و متهم کردن یکدیگر به «خیانت» یا «جنگ‌طلبی»، سرمایه اجتماعی را فرسوده و افکار عمومی را دچار رخوت و سردرگمی کرده است.
3. **فراموشی دشمن مشترک:** تمرکز بر تسویه حساب‌های جناحی، ذهن‌ها را از رصد دقیق تحرکات میدانی و اطلاعاتی ائتلاف غربی-عبری غافل ساخته است.

تحلیل انشعاب سال ۱۳۶۷ ثابت می‌کند که هیچ قدرتی در برابر دشمن خارجی حفظ نخواهد شد مگر آنکه کانون تصمیم‌گیری آن در داخل مستحکم باشد. در ۱۲ مرداد ۱۴۰۵، تشتت مسئولین بر سر نحوه مدیریت بحران‌های بین‌المللی، گرفتن غرامت و موازنه تنگه هرمز، تنها به سود اتاق‌های فکر و اشنگتن و تل‌آویو است.

کلام آخر

تاریخ هشدار می‌دهد که تفرقه در تصمیم‌گیری‌های کلان تهران، همواره چراغ سبزی برای دشمن و مقدمه سقوط خطوط مرزی بوده است. عبور از بحران‌های سال ۱۴۰۵، نیازمند پایان دادن به اختلافات فرعی، احیای انسجام داخلی و بازگشت به یک کلان‌راهبرد واحد ملی است تا کشور بار دیگر ناگزیر به پرداخت هزینه‌های سنگین سرزمینی و امنیتی نگردد.

عبور از این برهه تاریخی، نیازمند پایان دادن به جنگ‌های زرگری رسانه‌ای، احیای وفاق ملی حول محور ولی فقیه جامعه و بازگشت به یک کلان‌راهبرد مورد توافق همه ارکان نظام است. اگر امروز پنجره دیپلماسی یا توان نظامی به ابزاری برای رقابت‌های داخلی تبدیل شود، بهای سنگین این هرج و مرج و شکست را نه صاحبان قدرت در پایتخت، بلکه سربازان وطن در خطوط مرزی و مردم مبعوث شده زیر فشار تحریم‌ها، گرانی و تورم بالا پرداخت خواهند کرد. "تاریخ به ما هشدار و نهیب می‌زند که"

"تفرقه در تهران، همواره به سقوط فاو در مرزها ختم شده است."



سرنوشت جنگ‌ها در پشت جبهه رقم می‌خورد.

تاریخ نظامی اثبات می‌کند که امنیت ملی و دفاع نظامی هرگز نمی‌تواند مستقل از **وفاق سیاسی داخلی** باشد. تفرقه در کانون تصمیم‌گیری، همواره به عنوان یک «آسیب‌پذیری بحرانی» (Critical Vulnerability) و چراغ سبز برای عملیات آفندی دشمن رصد می‌شود.

سرنوشت جنگ‌ها هرگز روی خاکریزها تعیین نمی‌شود



پیوند ناگسستنی پشت جبهه و خط مقدم قاعده اصلی جنگ است. تا زمانی که سقف واحد تصمیم‌گیری در مرکز مستحکم باشد، کمبودهای مادی و تحریم‌ها بی‌اثر است. اما با ورود به سال ۱۳۶۷، فرمول طلایی وحدت جای خود را به انشقاق داد.

فرمول طلایی دفاع: جبران ضعف مادی با انسجام ملی



عبرتی برای امروز!؟
ناصر کاوه

- قدرت دفاعی ایران از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۶ بر یک پایه استوار بود: ترکیب استراتژیک «وحدت کلمه» و «حضور بی وقفه نیروهای مردمی».
- این فرمول توانست کمبودهای لجستیکی، تحریم‌های تسلیحاتی و برتری تکنولوژیک ماشین جنگی بعث را خنثی کند.
- این ساختار تنها زمانی کارآمد است که سقف واحد تصمیم‌گیری در کانون قدرت (تهران) یکپارچه بماند.

آناتومی یک شکست: چگونه سیاست، پوتین‌ها را از کار می‌اندازد؟

تشتت در مرکز



گام اول: شکاف حاکمیتی: تفرقه در تفرقه در رأس هرم و ارسال پیام‌های متناقض به جامعه.

رخوت مدنی و سردرگمی

عبرتی برای امروز!
ناصر کاوه



گام دوم: فرسایش سرمایه اجتماعی: سردرگمی افکار عمومی، احساس تنهایی رزمندگان و ریزش شدید مشارکت مردمی (خلوت شدن پایگاه‌های اعزام).

فروپاشی خطوط پدافندی



گام سوم: چراغ سبز به دشمن: رصد سیگنال ضعف توسط دشمن و تغییر استراتژی از دفاع به آفند سراسری با آگاهی از خالی بودن خطوط.

جرقه فروپاشی: فرو ریختن سقف واحد تصمیم‌گیری در آستانه نبرد

۲۵ فروردین ۱۳۶۷



در اوج نیاز به انسجام، اختلافات فقهی و اقتصادی در آستانه انتخابات مجلس سوم سر باز کرد. این انشعاب تشکیلاتی، پیام خطرناکی را به جامعه مخابره کرد: «دیگر در بالا یک‌صدایی وجود ندارد.»

۲۵ فروردین ۱۳۶۷

۲۵ فروردین ۱۳۶۷: فرو ریختن سقف واحد تصمیم‌گیری



**عبرتی برای امروز!
ناصر کاوه**

- اختلافات فقهی و اقتصادی به انشعاب تشکیلاتی در قلب پایتخت انجامید.
- فضای کشور به دو قطب متخاصم («اسلام آمریکایی» در برابر «سوسیالیسم اسلامی») تقسیم شد.
- رقابت‌های انتخابات مجلس سوم بر مسئله جنگ سایه انداخت.
- نتیجه روان‌شناختی: رزمنده‌ای که برای «اسلام ناب» می‌جنگید، خود را در میانه جنگ زرگری سیاسیون تهران برای سهم‌خواهی تنها یافت.

۲۵ فروردین ۱۳۶۷ (April 1988)

انشعاب تشکیلاتی در پایتخت (جدایی مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز)



عبرتی برای امروز!؟

ناصرکاوه

پیامد داخلی

دوقطبی‌سازی کاذب (اسلام
آمریکایی در برابر سوسیالیسم).
ایجاد سردرگمی و رخوت مدنی.

پیامد خارجی

مخابره پیام «عدم یک‌صدایی» به صدام.
تبدیل شدن به چراغ سبز نهایی برای
تغییر استراتژی از دفاع به آفند.

سقوط ۳۶ ساعته فاو: بهای غفلت استراتژیک

۲۸ فروردین ۱۳۶۷ (تنها ۳ روز پس از اعلام انشعاب سیاسی)

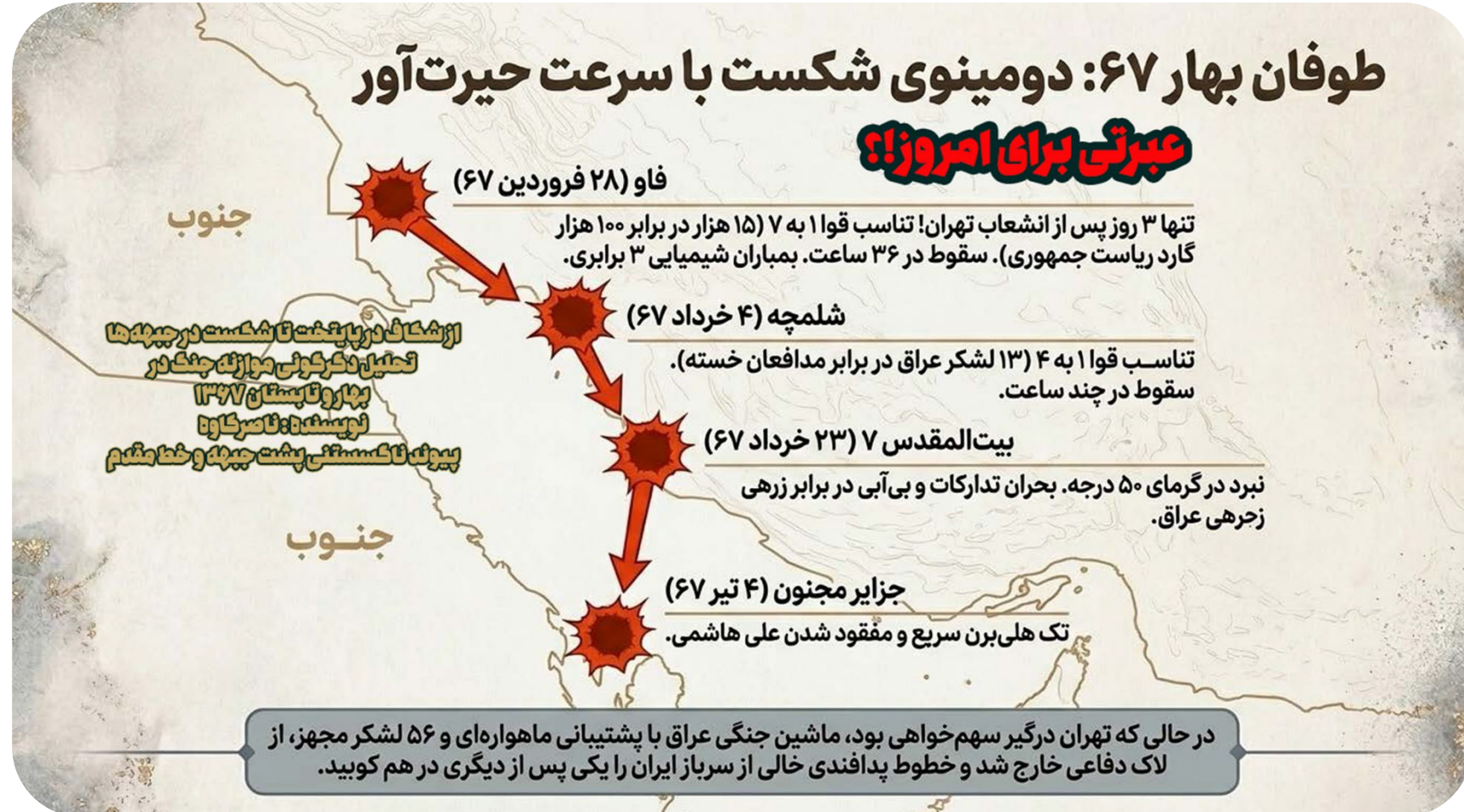


- دشمن شکاف تهران را به عنوان «چراغ سبز نهایی» رصد کرد.
- خالی شدن جبهه‌ها به دلیل سردرگمی سیاسی، فاو را بی دفاع گذاشت.
- استفاده ۳ برابری دشمن از سلاح شیمیایی و قطع پل بعثت، سیستم سیستم فرماندهی را فلج کرد.

عبرتی برای امروز؟! ناصرکاوه

طوفان بهار ۶۷: دومینوی شکست با سرعت حیرت‌آور

عبرتی برای امروز!؟



دومینوی شکست: بهار و تابستان ۱۳۶۷

عبرتی برای امروز!؟

ناصرکاوه

جزایر مجنون (۴ تیر)

- فروپاشی حماسه خیبر.
- مفقودالاثر شدن فرماندهان کلیدی (علی هاشمی).

سقوط فاو (۲۸ فروردین)

- تنها ۳ روز پس از انشعاب پایتخت.
- ۱۵ هزار مدافع در برابر ۱۰۰ هزار نیروی دشمن (نسبت ۷ به ۱).
- سقوط در کمتر از ۳۶ ساعت.

سقوط شلمچه (۴ خرداد)

- حمله با ۱۳ لشکر بعثی.
- از دست رفتن دستاوردهای خونین کربلای ۵ در کربلای ۵ در چند ساعت.

بیت المقدس ۷ (۲۳ خرداد)

- بحران شدید لجستیک (نرسیدن آب و مهمات).
- عقب‌نشینی زیر گرمای ۵۰ درجه.

از جنگ زرگری، در پایتخت تا سنگرهای خالی

از شکاف در پایداری تا شکست در جبهه‌ها
تحلیل دگرگونی موازنه جنگ در
بهار و تابستان ۱۳۹۷
نویسنده: ناصر کاوه
پیوند: [لکسنتی پشت جبهه و خط مقدم](#)

عبرتی برای امروز؟!

دوقطبی سازی سیاسی



جنگ رسانه‌ای
و برچسب‌زنی

اسلام آمریکایی

سوسیالیسم اسلامی

سردرگمی و رخوت
افکار عمومی



توقف تغذیه جبهه‌ها

فاو تنها با ۱۵ هزار نیرو رها شد

رزمنده‌ای که برای دفاع از کيان اسلام می‌جنگید، ناگهان خود را در میانه نزاع لیست‌های انتخاباتی تنها یافت. تضعیف سرمایه اجتماعی دقیقاً در لحظه نیاز به بسیج عمومی، مساجد و پایگاه‌های اعزام را خلوت کرد.

فاجعه تیرماه: وقتی اسارت بر قربانی شدن در جنگ زرگری ترجیح داده شد

۴۰,۰۰۰

(کل اسرای ۸ سال جنگ)

۲۴,۰۰۰

(اسرای سال ۱۳۶۷ - ۶۰٪ کل)

۱۹,۳۸۷

(اسرای تنها در تیرماه ۱۳۶۷)

عبرتی برای امروز!
ناصرکاوه

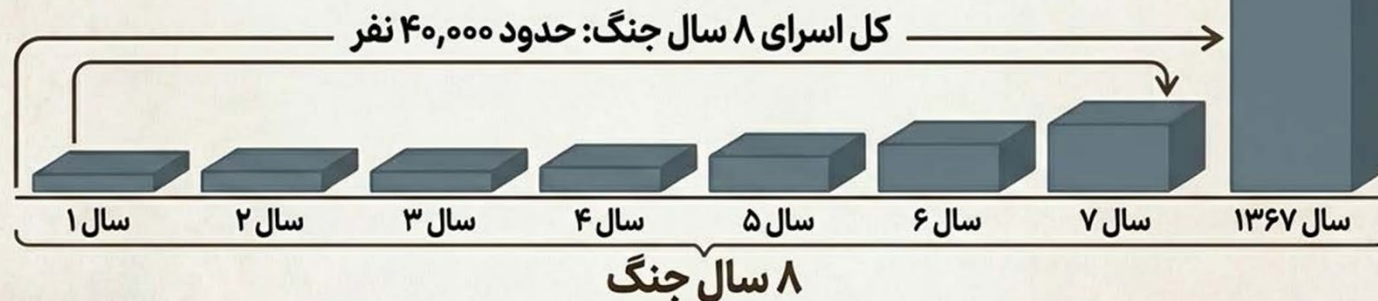
- در واقعه عین خوش و موسیان (۲۱ تیر)، مرکز فرماندهی سقوط کرد و هزاران نفر در دوروز اسیر شدند.
- این آمار تکان دهنده محصول کمبود سلاح نبود؛ محصول «فقدان انگیزه مقاومت» بود.
- رزمندگان ترجیح دادند اسیر شوند تا بیهوده در بیابان‌های سوزان فدای تفرقه پایتخت نشینان گردند.

عبرت برای امروز!؟

→ اسرای تیرماه ۱۳۶۷: ۱۹,۳۸۷ نفر!

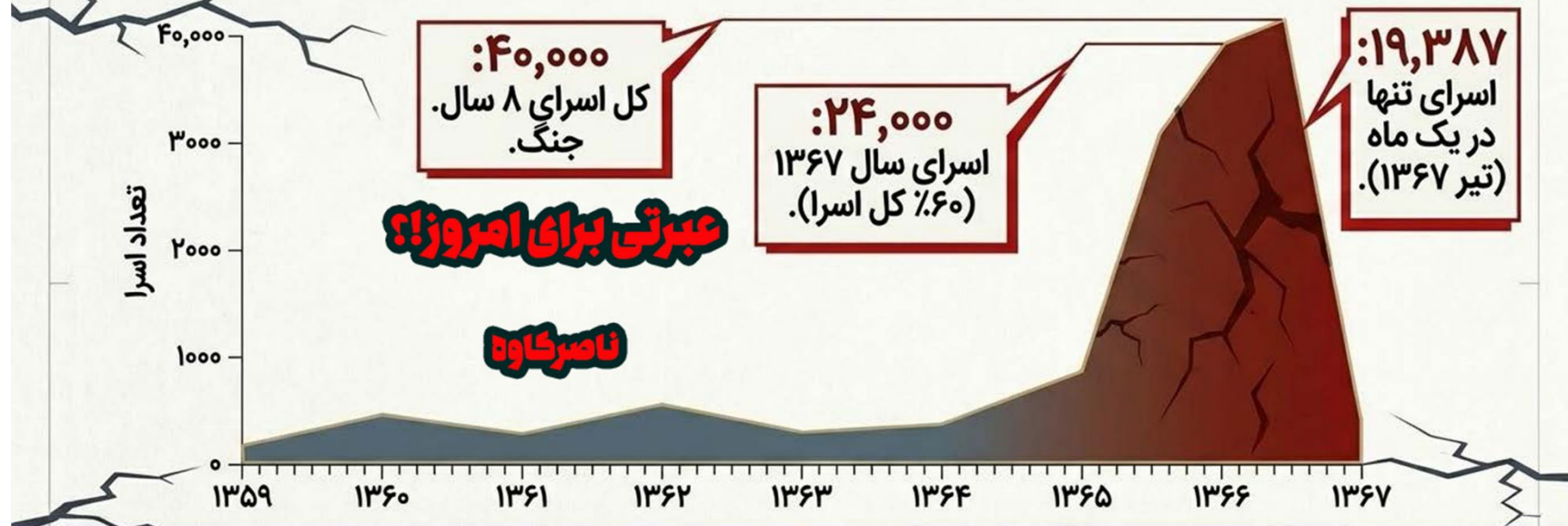
از شکاف در پایتخت تا شکست در جبهه‌ها
تحلیل دگرگونی موازنه جنگ در
بهار و تابستان ۱۳۶۷
نویسنده: ناصر کاوه
اسرا
بیرون خاکستری پشت جبهه و خط مقدم

اسرای سال ۶۷: حدود ۲۴,۰۰۰ نفر (۶۰٪ کل اسرا)



نیمی از کل اسرای هشت سال جنگ، تنها در بازه یک ماهه (تیر ۶۷) اسیر شدند. این آمار نشان دهنده عقب نشینی های (مانند فاجعه عین خوش) و فقدان انگیزه استادگی نیروهای پیاده در پی احساس تنهایی و ابهامات سیاسی مرکز بود.

تراژدی اسرا: شاخص فروپاشی انگیزه پایداری



این فاجعه نظامی محصول قدرت دشمن نبود؛ نتیجه مستقیم احساس تنهایی رزمندگان، تشنگی در مرکز و ترجیح اسارت بر قربانی شدن در «جنگ‌های زرگری» سیاست‌مداران بود.

ماتریس انطباق تاریخی: تکرار گسل‌های معرفتی در کالبدی نوین

عبرتی برای امروز!
ناصر کاوه

سال ۱۴۰۵	سال ۱۳۶۷	
چندصدایی در موازنه تنگه هرمز (و غرامت‌های تاریخی)	انشعاب تشکیلاتی روحانیت (رقابت انتخاباتی)	نقطه شروع تفرقه
سازش کار/خائن، در برابر جنگ طلب/ماجراجو)	اسلام آمریکایی در برابر سوسیالیسم	برچسب‌های رسانه‌ای
ائتلاف اطلاعاتی و تکنولوژیک (آمریکا، ناتو و اسرائیل)	ارتش ارتقا یافته و ۵۶ لشکری بعث	دشمن فراموش شده
غافلگیری استراتژیک، پارالیز عملیاتی و تسلیم ژئوپلیتیکی	سقوط فاو و فاجعه اسرای تیرماه	خروجی محتمل

انطباق تاریخی: آناتومی یک فروپاشی در دو عصر

عبرتی برای امروز!؟

۱۴۰۵

۱۳۶۷

از شکاف در پایتخت تا شکست در جبهه ها
تحلیل دگرگونی موازنه جنگ در
بهار و تابستان ۱۳۶۷
نویسنده: ناصر کاوه
پیوند: لاکسنتی پشت جبهه و خط مقدم

دشمن مشترک	ارتش بعث صدام (پشتیبانی تسلیحاتی)	شبکه ائتلافی آمریکا، اسرائیل و ناتو (جنگ الکترونیک و شناختی)
گسل پایتخت	انتخابات مجلس، اختلافات فقهی و اقتصادی	موازنه تنگه هرمز، غرامت های تاریخی، نحوه مذاکره با غرب
جنگ رسانه ای	«اسلام آمریکایی» در برابر «سوسیالیسم اسلامی»	برچسب «سازش کار و خائن» در برابر «جنگ طلب و ماجراجو»
خطای راهبردی	غفلت از بازسازی زرهی و شیمیایی عراق	غفلت از تحرکات ناتو در همسایگی و خرابکاری های شبکه ای اسرائیل

سه گسل معرفتی در تصمیم‌گیری کلان (آسیب‌پذیری‌های بحرانی)



این چندصدایی حاکمیتی، مستقیماً به اختلال در زنجیره فرماندهی و کنترل (C2) منجر می‌شود.

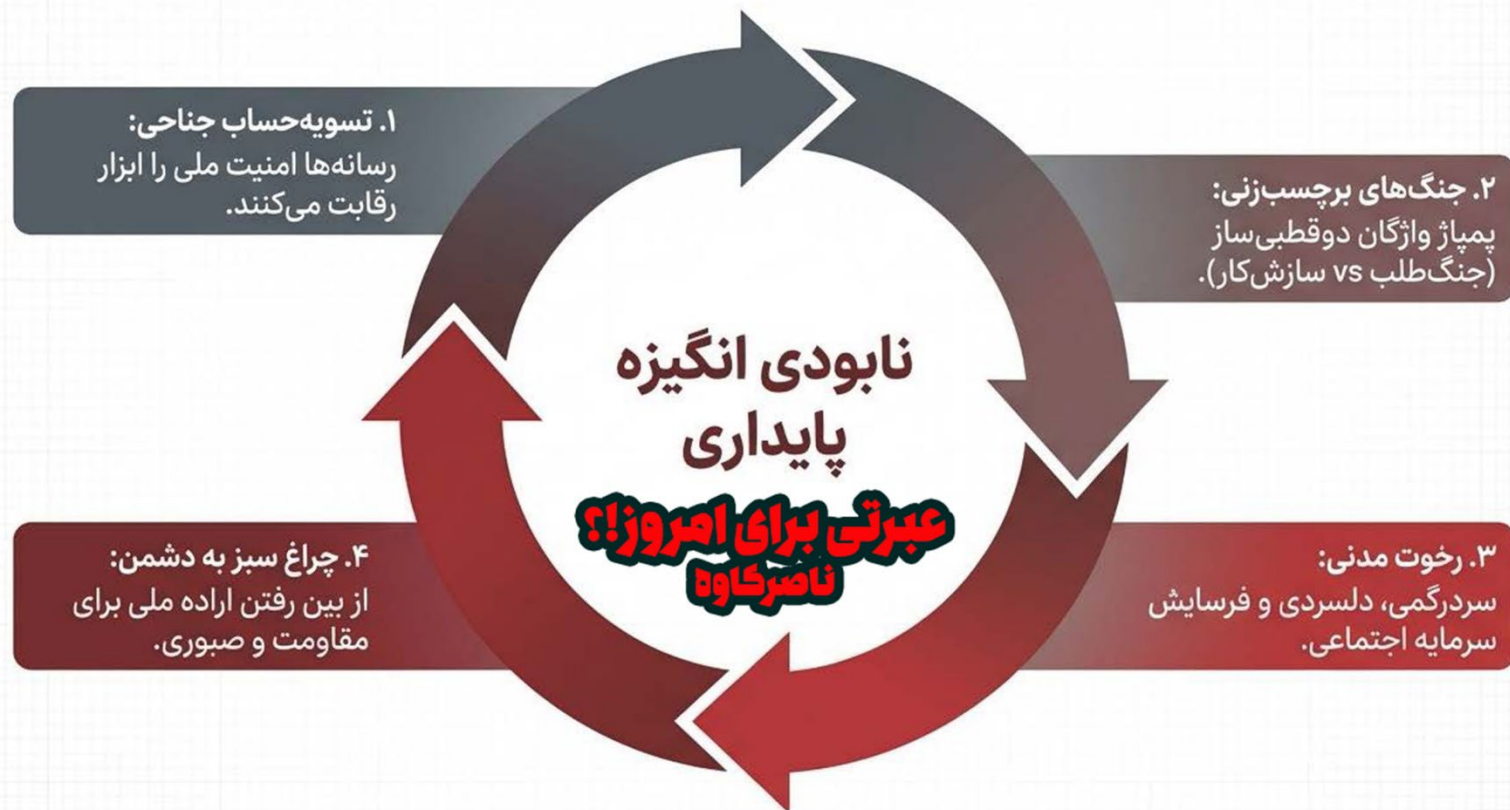
گسل‌های حاکمیتی ۱۴۰۵: پمپاژ سیگنال ضعف به اتاق‌های فکر دشمن



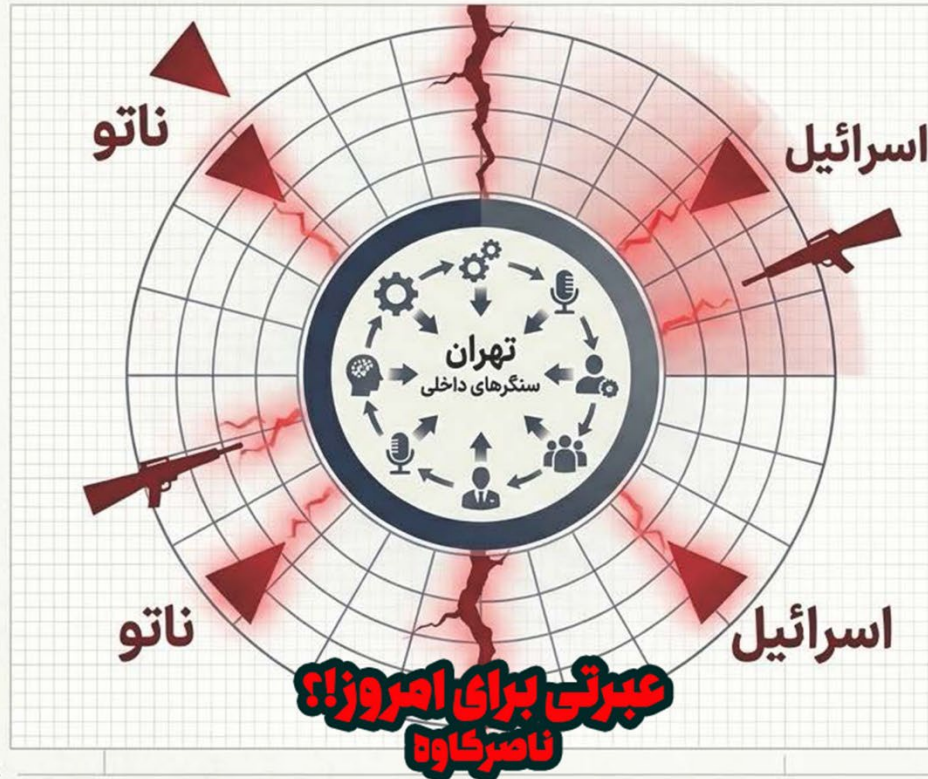
**عبرتی برای امروز!
ناصرکاوه**

- امروز در تقابل همه‌جانبه با ناتو و اسرائیل، سقف واحد تصمیم‌گیری دچار تشتت است.
- پیامد راهبردی: دوقطبی میان «تقابل مطلق» و «تعامل بدون ضمانت»، دشمن را به این استنتاج می‌رساند که اراده‌ای واحد برای ایستادگی در تهران وجود ندارد.

میدان نبرد رسانه‌ای و «استعمار ذهن»



نابینایی استراتژیک: فراموشی دشمن مشترک



■ **تقلیل تهدیدات کلان ژئوپلیتیک**
به ابزاری برای تضعیف رقیب
رقیب داخلی.

■ **غفلت از رصد دقیق تحرکات**
میدانی، اطلاعاتی و نفوذ
دشمن در مرزها.

نتیجه: فراهم شدن بستر برای
یک «غافلگیری استراتژیک»
(Strategic Surprise).

نقطه کور استراتژیک: فراموشی دشمن مشترک

عبرتی برای امروز؟!
ناصرکاوه

مرزهای جغرافیایی
و خلیج فارس

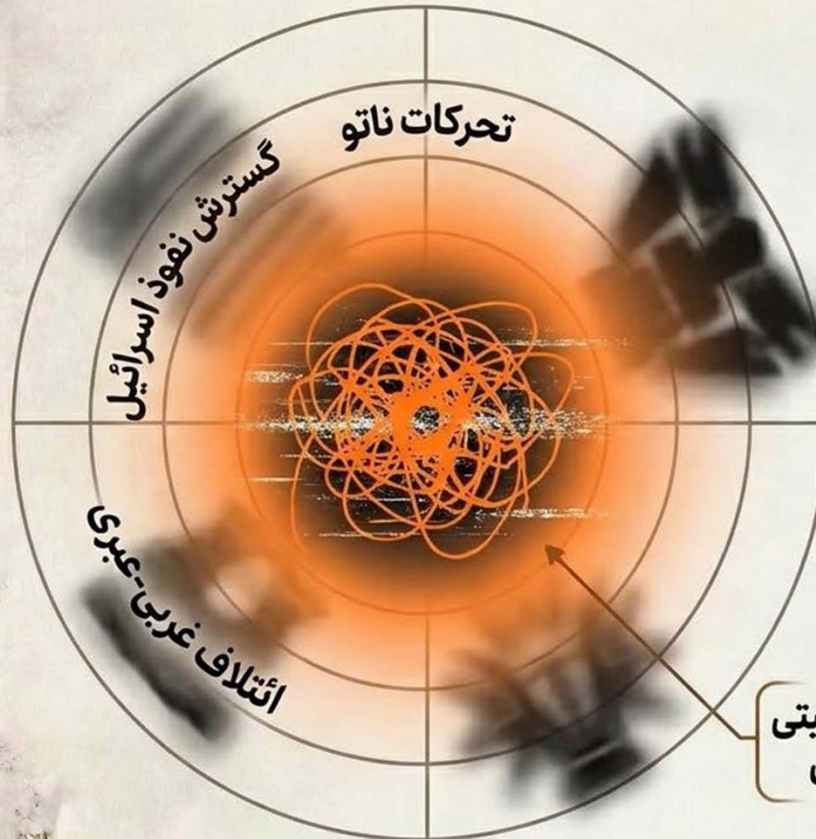


ناتو و اسرائیل

- بزرگترین خطای سال ۶۷، تقلیل تهدید صدام به بازی‌های جناحی بود.
- در ۱۴۰۵، تمرکز بر خنثی‌سازی رقیب داخلی، چشمان ناظر بر مرزها را نابینا نابینا کرده است.
- غفلت از تحرکات ناتو در مرزها و فعالیت هسته‌های خرائیل، فرصت طلایی را برای نفوذ شبکه‌های متخاصم فراهم فراهم می‌کند.

فراموشی دشمن مشترک در سایه رقابت‌های داخلی **عبرتی برای امروز!؟**

تمرکز بر خنثی‌سازی یکدیگر در تهران،
فرصت طلایی رصد تحرکات دشمن در
دشمن در خلیج فارس، دریای عمان و
مرزها را سلب می‌کند. ناتو و اسرائیل
دقیقاً از همین خائین خلأ تمرکز
ذهنی در پایتخت برای ضربه نهایی
استفاده می‌کنند.



از شکاف در پایتخت تا شکست در جبهه‌ها
تحلیل دگرگونی موازنه جنگ در
بهار و تابستان ۱۳۶۷
نویسنده: ناصر کاوه
پیوند تاکستنی پشت جبهه و خط مقدم

غافلگیری استراتژیک: در عصر هوش مصنوعی

عبرتی برای امروز؟!
ناصر کاوه



- دشمنان امروز (ائتلاف غربی-عبری) از فناوری‌های جنگ الکترونیک و ابزارهای رسانه‌ای بسیار گسترده‌تری نسبت به صدام برخوردارند.
- اگر تشت آرا در پایتخت منجر به اختلال در زنجیره فرماندهی و کنترل (C2) شود، ضربه اول دشمن می‌تواند در عرض چند ساعت به فلج دفاعی و عقب‌نشینی‌های وسیع منجر شود.
- سرعت تحولات میدانی نوین فرصتی برای بازسازی رخوت مدنی باقی نمی‌گذارد.

مختصات تهدید در ۱۴۰۵: شبکه ائتلاف غربی-عبری

۱. محاصره ژئوپلیتیک:
گسترش نفوذ ناتو در
کشورهای همسایه و
مرزهای شرقی/غربی.

۳. هسته‌های خرابکاری:
نفوذ اطلاعاتی و عملیاتی
در زیرساخت‌های حیاتی.



۲. جنگ تکنولوژیک:
استفاده از جنگ
الکترونیک و هوش
مصنوعی برای ایجاد
«شوک‌های ناگهانی».

دشمن امروز بسیار هوشمندتر از صدام است. آن‌ها دقیقاً منتظر فرو ریختن «سقف تصمیم‌گیری»
در تهران هستند تا ضربه نهایی را وارد کنند.

پادزهر اول: پاک‌سازی فضای رسانه‌ای و احیای اراده ملی

عبرتی برای امروز!؟
ناصرکاوه



۳ تغییر کانون توجه:
چرخاندن لنز رسانه‌ها از منازعات داخلی تهران به سمت رصد هوشمند تهدیدات واقعی در مرزها.

۲ شفاف‌سازی کلان:
پایان دادن به صدور پیام‌های متناقض و سردرگم‌کننده برای بازیابی اعتماد عمومی.

۱ توقف فوری اتهام‌زنی:
ممنوعیت استفاده از برچسب‌های تقلیل‌گرایانه (خائن/جنگ‌طلب) در تریبون‌های رسمی.

پادزهر دوم: تدوین «کلان‌راهبرد واحد» غیرقابل تغییر

- خروج پرونده‌های استراتژیک (مانند تنگه هرمز، غرامت‌های تاریخی، مذاکرات) از دایره سهم‌خواهی و رقابت‌های جناحی.
- رسیدن سران قوا به یک اجماع قاطع برای مخابره پیام اقتدار واحد به اتاق‌های فکر ناتو.
- حفاظت از زنجیره فرماندهی و کنترل (C2) در برابر هرگونه تداخل و تششت سیاسی پایتخت.

عبرتی برای امروز!؟
ناصر کاوه

نقشه راه بقای ملی: سدسازی در برابر سقوط

عبرتی برای امروز!؟
ناصر کاوه

شکاف حاکمیتی → کلان راهبرد واحد ملی (هیچ قدرتی در برابر دشمن حفظ نمی شود مگر آنکه قانون تصمیم گیری مستحکم باشد).

دوقطبی رسانه ای → شفافیت و وحدت کلمه (احیای فرمول طلایی پیوند حاکمیت و مردم).

فراموشی دشمن → تمرکز بر مرزها (بازگرداندن رادار امنیتی به سوی ائتلاف ناتو و اسرائیل).

گسل های مهلک

ارکان بقا

امنیت ملی کالای رقابت جناحی نیست. اگر انسجام داخلی بازسازی نشود، بهای این تفرقه را نه سیاسیون در پایتخت، بلکه مدافعان در مرزها با خون و تمامیت ارضی کشور پرداخت خواهند کرد.

61
در نتیجه، آنچه مدافعان در مرزها در جریان می بینند، امنیت داخلی کشور است که در حال فروپاشی است. این وضعیت را باید به سرعت متوقف کرد.

دوراهی ۱۴۰۵: بازگشت به فرمول انسجام ملی یا پذیرش جام زهری دیگر؟

عبرتی برای امروز!؟

ادامه تشتت و جنگ زرگری



پذیرش جام
زهری دیگر

پرداخت هزینه توسط سربازان مرزی و مردم زیر تحریم

**۱۲ مرداد
۱۴۰۵**

بازگشت به کلان راهبرد واحد ملی



احیای سرمایه اجتماعی،
بازدارندگی فعال و
حفظ تمامیت ارضی

احیای سرمایه اجتماعی، بازدارندگی فعال

هیچ قدرتی در برابر دشمن خارجی حفظ نخواهد شد مگر آنکه کانون تصمیم‌گیری آن مستحکم باشد. عبور از بحران‌های امروز، نیازمند پایان دادن به اختلافات فرعی و احیای وفاق ملی است.

آینه تاریخ: تطبیق ۱۳۶۷ و ۱۴۰۵

**عبرتی برای امروز؟!
ناصر کاوه**

[مرداد ۱۴۰۵]	[بهار ۱۳۶۷]	[شاخص بحران]
ائتلاف ناتو، آمریکا و اسرائیل	ارتش بعث صدام (پشتیبانی جهانی)	دشمن (The Enemy)
چندصدایی در پرونده‌های کلان ملی	انشعاب روحانیت چپ و راست	گسل پایتخت (The Capital Fault Line)
سازش‌کار/خائن vs جنگ‌طلب/ماجراجو	اسلام آمریکایی vs سوسیالیسم	دوقطبی رسانه‌ای (Media Polarization)
رخوت مدنی و فرسایش سرمایه اجتماعی	ریزش نیروهای داوطلب	پیامد اجتماعی (Social Consequence)

الگوهای تفرقه تکرار شده‌اند. آیا نتیجه نیز تکرار خواهد شد؟



این فرمول یگانه ابزاری بود که توانست تمامی ضعف‌های مادی، تحریم‌های تسلیحاتی و برتری ۵۶ لشکری ارتش بعث را جبران کند.

وضعیت فعلی: تقابل داخلی

- چندصدایی حاکمیتی
- جنگ زرگری رسانه‌ای
- تمرکز بر سهم خواهی

**عبرتی برای امروز!
ناصرگاه**

وضعیت مطلوب: پایداری ملی

- کلان راهبرد واحد ملی
- وفاق و شفافیت
- تمرکز بر دشمن مشترک

خروج پرونده‌های حیاتی از دایره رقابت‌های جناحی و تبدیل
آنها به «اصول غیرقابل تغییر» امنیت ملی.

راهبرد عملیاتی ۱: بازسازی سقف واحد تصمیم‌گیری

عبرتی برای امروز!؟

ناصرگاوه



هیچ قدرتی در برابر دشمن خارجی حفظ نخواهد شد، مگر آنکه کانون تصمیم‌گیری آن در داخل مستحکم باشد.

راهبرد عملیاتی ۲: آتش بس رسانه‌ای و احیای سرمایه اجتماعی



نبایدها

- پایان فوری استفاده از برچسب‌های مخرب (خائن، سازش‌کار، ماجراجو).
- توقف تبدیل سیاست خارجی به میدان کارزار انتخاباتی.



بایدها

- تغییر کانون توجه از نزاع‌های پایتخت به رصد تحرکات دشمن در مرزها.
- شفاف‌سازی تصمیمات کلان برای رفع سردرگمی افکار عمومی.
- بازخوانی مستمر هزینه تفرقه (عبرت اسارت ۱۹,۳۸۷ نفر در تیر ۶۷).

عبرتی برای امروز!!
ناصرگاه

تاریخ تکرار نمی‌شود، اما طنین قاب‌های خالی آن زنگ می‌زند



بررسی ریشه‌های سقوط فاو صرفاً یک بازخوانی تاریخی نیست؛ آینه‌ای تمام‌نما برای تحلیل موقعیت خطیر ما در ۱۲ مرداد ۴۵ است. امروز بار دیگر همان گسل‌های معرفتی و تشنه‌آرا در کانون تصمیم‌گیری پایتخت خودنمایی می‌کند.